

نام آواها در زبان فارسی

نام آوا (اسم صوت) (onomatopoeia)

به واژه‌ای گفته می‌شود که از صداهای موجود در طبیعت یا صدای حیوانات تقلید شده است.

مانند (آسمان) غرمبه، شرشر (آب) جرینگ (شکستن شیشه)، چهچهه (بلبل) و قوقولی قوقو (خروس). نام صوت‌های عاطفی نیز در زمره‌ی نام آواها قرار دارند. مانند قهقهه (خنده)، هن و هن (ناشی از خستگی) یا آه (که به هنگام اندوه از دهان بیرون می‌آید).

واژه‌شناسان نام آواها را به واژه‌هایی محدود می‌کنند که به تقلید صدا ساخته شده‌اند مانند: (عوعو سگ) اما زبان‌شناسان و اهل ادب آن را شامل هر واژه‌ای می‌دانند که میان لفظ و معنای آن رابطه‌ی طبیعی یا ذاتی باشد. مانند واژه‌هایی که پژواک صداها هستند «جیک جیک گنجشک»، «کوکو» فاخته، جرینگ جرینگ «زنجیر» یا واژه‌هایی که ایجاد احساسی را در بدن ما بیان می‌کنند («مورمور»، «گزگز»، «زُق زُق»، «قیلی ویلی»)

ویژگی‌های نام آواهای فارسی به قرار زیر است:

۱- نام آواهای فارسی بیش‌تر به صورت دوتایی است: خرخر، وزوز، تلق تلق، جلزولز، تلق و تلق،

جغوربغور

۲- برخی از نام آواها به صورت تکی به کار می‌روند و بر سه گونه هستند.

الف. تک‌هجایی: غز، تق، دامپ

ب. دو‌هجایی: جرینگ، تلپ، گرومپ

ج. سه‌هجایی و بیش‌تر: قوقولی قوقو

۳- نام آواهای دوتایی از نظر میانوند بر سه گونه هستند.

الف. میانوند ندارند: عوعو، قارقار، فش فش

ب. با میانوند «و»: تالاپ و تولوپ، اخ و تف، خروپف

ج. با میانوند «ا»: چکاچاک، ترنگا ترنگ

۴- از برخی از نام آواها مشتقات فعلی و غیرفعلی ساخته می شود .

الف . فعلی : ترکیدن ، غریدن ، خراشیدن

ب . اسمی : فرفره ، هافهافو ، تمبک

ج . صفتی : غران ، غلغلی

۵- از برخی نام آواها واژه‌ی مرکب ساخته شده است : آبشار ، دلهره ، چشم‌غره .

۶- نام آواها نیز با فعل‌ها فعل مرکب می‌سازند : جرجرشدن ، قرقرکردن .

در پایین با برخی از نام آواها در زبان فارسی آشنا می‌شویم:

آبشار : آبی که از بلندی با شدت فروریزد . (شار نام آوا است)

آخ : به‌هنگام داشتن درد و افسوس یا آرزو گویند

آخیش : هنگام دست‌یافتن به آسایش گویند

آروق : باد معده که از گلو درآید

آسمان‌غرمبه : صدای رعد ، تندر

آها : برای اظهار تعجب گویند

اجق و جق : هر چیز عجیب و زننده و افراطی

اخ و تف : با صدا بیرون انداختن آب دهان

اخ کردن : تف کردن (به کودکان می‌گویند)

اخ‌وپیف : اظهار اشمئزاز از بو ، غذا یا منظره‌ی بد

أق : حالت تهوع

النگ‌ودولنگ : خرت‌وپرت ، آت‌و‌آشغال

اوا : صوتی برای اظهار تعجب به‌ویژه نزد زنان

اوفیش : برای بیان لذت گویند

آه : برای تعجب و شگفتی گویند

باء: صدای گاو

بامب: صدای کوبیدن کف دست بر سر کسی

بروبر: خیره و زلزله

بشکن: صدای انگشتان دست

بعبع: صدای بره و گوسفند و بز

بغبغو: صدای کبوتر

بغض: گرفتگی گلو از غصه

بم: صدای زیر، صدای بلند و پربانگ

به به: برای تحسین و تمجید گویند

ترتر: اسهال، شکم‌روش

پت پت: صدای فتیله‌ی چراغ به‌هنگام تمام‌شدن روغن

پیچ پیچ: نجوا، سخن زیرگوشی

پرپر زدن: به هم زدن بال‌های پرنده

پف: فوت

پیش‌پیش: آوازی که با آن گربه را خوانند

پق: صدای خنده‌ی ناگهانی

پیف: برای بیان کراهت از بوی بد

پک: صدای کشیدن سیگار، چپق و قلیان

تراق و توروب: صدای برخورد دو چیز

ترقه: بازیچه‌ای که دارای باروت است و بر اثر انفجار آن صدای شدید برمی‌خیزد

تالاپ تالاپ: صدای برخورد کفش در گل‌ولای

تپش: صدای قلب

تپق: صدای خارج شدن چیزی جز مقصود از دهان، لکنت زبان

تته پته: لکنت زبان

ترتر: صدای بیرون شدن مدفوع بیمار اسهالی

تق: صدای برخورد دو جسم به یکدیگر

تیک تیک: صدای ساعت

تلنگ: تیز. تلنگش در رفت

تلوتلو: حرکت به چپ و راست

تندر: رعد، غرش آسمان

جر: صدای پاره شدن پارچه و کاغذ

جرواجر: پاره کردن شدید، تکه تکه

جیز: صدای تف دادن چیزی در روغن، صدای تماس آب و آتش

جزغاله: زغال شده

جزوولز: صدای سوختن اشیاء

جغ جغ: شور و غوغای بی معنی

جقجقه (جغجغه): نوعی اسباب بازی کودکانه است.

جلزولز: سوزوگداز

جیرجیر: صدای حشرات

جیرینگ: صدای بهم خوردن سکه و زنجیر

جیز: سوختن در زبان کودکان

جیش: ادرار در زبان کودکان

جیغ: فریاد، صدای نازک و بلند

جیک: آواز پرندگان به ویژه گنجشک

جیک زدن: صدا در آوردن

چاک: صدای زدن شمشیر و تبر

چخ (چخه): برای نهیب زدن به سگ و راندن آن گویند

چُس: گوز بی صدا

چَک: سیلی

چَک: صدای افتادن قطره‌ی آب

چهچه: آواز بلبل و پرندگان خوش آواز

خرچ خرچ: صدای جویدن چیزی ترد

خر خر: صدای کشیدن چیزی روی چیزی

خُر خُر: صدای گلوی گرفته شده، خرناس

خرناس: خُر خُر

خش خش: صدای خراشیدن، صدای به هم خوردن کاغذ یا لباس به هم

خنج: صدایی که به هنگام هم خوابی از بینی و گلوی شخص برآید

ودیمبول: سرو صدای ساز و آواز، بزن و بکوب دامبول

دبدبه: آواز دهل و نقاره، صدای افتادن و برخورد چیزی به زمین

دَق: صدای کوبیدن به چیزی

دلنگ دلنگ: صدای زنگوله و زنگ و ناقوس

دندان غروچه (قروچه): برهم فشردن دندان

دنگ: صدای برخورد دو جسم به هم

دُق دُق: احساس سوزش و تیر کشیدن زخم

رعد: صدای غرش ابر، تندر

رعشه: لرزه

زاغ و زوغ: شور و غوغا و آشوب
زرت: صدای مدفوع، صدای شیشکی
زر زدن: گریه کردن، دری وری گفتن
زرت و زورت: حرف‌های بی معنی، سروصدای بی هو ده
زرزر کردن: غر زدن، گریه کردن شدید بچه
زکی: به نشانه‌ی تعجب و تمسخر و انکار گویند
زمزمه: آهسته گفتن یا خواندن
زوزه: صدای سگ و شغال و گرگ
زهی: احسنت، آفرین، افسوس، دریغ
سکسکه: حالتی که بر اثر آن صداها ی پیاپی گلو بر آید
سوت: صدایی که با بیرون دادن نفس از دهان خارج می‌کنند
شُرْشُر: صدای ریزش آب
شَرَع: صدای نواختن سیلی
شقشقه: صدای شتر نر و گنجشک
شَقَّ: راست و محکم
شَقَّوَرَع: راست راست
شلپ: صدای سیلی، صدای بوسیدن
شلپ شلوپ: صدای دست و پا زدن در آب
شیون: صدای ناله و ماتم، گریه‌ی بلند
شیهه: بانگ اسب
صفیر: بانگ مرغان و پرندگان، صدای رها شدن تیر
صلا: آواز دادن برای خوردن غذا

صیحه : فریاد ، بانگ شدید
ضجه : بانگ و فریاد ، ناله‌ی شدید
طُبق : حرفی را به جای حرف دیگری زدن
طمطراق : کر و فر ، شان و شوکت
طنین : صدای ساز و طبل
عربده : بانگ و فریاد ، نعره
عرعر : صدای خر ، بانگ الاغ
عوعو : صدای سگ
غارغار : صدای کلاغ
غاروغور : صدای شکم ، هرج و مرج
عُر : آهسته حرف زدن از روی خشم . نق
گران : فریادکنان ، غرنده
غرچ غرچ : صدای ساییدن دندان‌ها با فشار
غرغره (قرقره) : گردانیدن مایع در دهان
غرولند : غر ، نق
غریو : فریاد ، فغان ، بانگ و غوغا
غژغژ : صدای کفش
غژغژان : خزان
غشقرق (قشقرق) : داد و فریاد ، جار و جنجال
غش غش : خندیدن تا حد بی‌تابی
غو : بانگ و فریاد ، غریو و خروش ، آواز دهل
غوغا : شور و فریاد و فغان که از ازدحام و خروش خلق آید

فس فس : به کندی ، با تانی

فش : صدای بیرون ریختن آب از سوراخ تنگ ، صدای ادرار ، صدای حرکت مار

فش فش : آواز سوختن باروت نم زده ، آواز ادرار

فوت : بادی که از دهان بیرون آید

فوتینا : برای انکار و تمسخر به کار می رود

فین : خارج کردن نفس از بینی به تندی و با صدا

قارقار : صدای کلاغ

قارقارک : کنایه از وسیله نقلیه پرسروصدا

قاروقور : غاروغور

قاه قاه : خنده بلند

قدقد : آواز مرغ خانگی

قرببه : صدای شدید ابر ، تندر

قُلپ : جرعه‌ی آب

قورقور : صدای کبوتر و قورباغه

قوقولی قوقو : صدای خروس

قیل وقال : سروصدا و جنجال ، بحث و مجادله

قیلی ویلی : حالت غنج زدن دل . حالت قند توی دل آب شدن

کِخ : صوت برای بازداشتن کودکان از چیز کشیف و بیماری‌زا

کرکر : خنده‌ی دراز و خارج از اندازه

کَل کَل : یاه‌گویی برای هم

کواک کواک : صدای اردک

کوکو : صدای فاخته

کیش (کیش کیش): برای راندن مرغ گویند

گارامبی: ناگهانی و باصدا به جایی خوردن

گُر: صدای شعله کشیدن آتش

گوز: صدای بادی را گویند که با صدا از مقعد برآید

لپَلپ: صدای آب خوردن سگ

لِخ و لِخ: صدای کشیدن کفش کهنه روی زمین

لَغ لَغ (لق لِق): صدای حرکت از این سو به آن سو، صدای حرکت چیز ناستوار

لَف لَف: خوردن با تمام دهان

لُند: با غضب زیر لب سخن گفتن، غُر

لُنده: غرغر

لَه لَه: آواز نفس پیاپی با بیرون کردن زبان هنگام تشنگی

ماچ: صدای بوسه

ماچ و موچ: بوسیدن و لیسیدن صدادار

ماسماسک: کنایه از وسیله‌ای دکمه‌دار

ملچ ملچ: صدای خوردن

من من: سخن بریده بریده و با تانی زیاد

مورمور: حالت سردی حس کردن

مویه: گریه و ناله

میومیو: صدای گربه

نُچ: نه

نچ نچ: صدایی برای بیان تاسف از کار ناخوشایند یا غیرمنتظره

نعره: فریاد، غریو

نغ : نق

نک و ناله : ناله و زاری

نوچ : چسبناک ،

واق واق : صدای سگ

واه واه : برای بیان تعجب به طور استهزاء

وای : برای بیان تعجب و جاخوردگی

ور : حرف بی خود ، پر حرفی

وز : صدای پشه و مگس

وغ : آواز سگ ، پارس

واویلا : برای بیان شکایت از دشواری کار

ولوله : سروصدا ، هیاهو ، آشوب

ونگ : داد و فریاد ، گریه با داد و فریاد

وه : برای تحسین و آفرین گویند

ویژ : نشان از سرعت در حرکت چیزی دارد

ویله : نعره ، فریاد ، ناله

هاپ : صدای سگ

هارت و پورت : سروصدا ، داد و بیداد ، جار و جنجال

هاف هاف : صدای سگ پیر

هافهافو : پیر بی دندان

هق هق : صدای گریه ی شدید

هان : کلمه ای است برای آگاهانیدن و بر حذر داشتن

های و هو : هیاهو ، شور و غوغا

های های : شور و گریه‌ی ماتم‌زدگان

هُرُ : صدای استفراغ

هر : صدای فروریختن بنا

هُرْت : صدای بالاکشیدن مایعات به دهان

هروهر : صدای خنده‌ی شدید

هُرِی : صدای فروریختن دل از ترس

هلله : آواز بلند شادی

همهمه : صدای درهم و برهم

هن : صدای نفس با زحمت

هو : بانگ و فریاد

هوار : داد و فریاد، سروصدا

هه : صدای نفس

هی : برای راندن الاغ گویند

هیس : ساکت باش

یَلِی : فریاد در حال مستی یا پس از دریافت خبر خوش

*برگرفته از تارنگار آریا ادیب به نقل از کتاب «فرهنگ نام آواها در زبان فارسی» نوشته دکتر تقی وحیدیان

کامیار